



Protection of Defendant's Rights in the Access to Justice for Disabled Children against Domestic Violence; Challenges and Solutions

Homa Davoudi Garmarodi¹, Sajjad Lashkari Azar², Zahra Shokati Ahmadabad^{3*}

1. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Tehran University of Science and Research, Tehran, Iran.

3. Department of Criminal Law, Faculty of Law and Political Science, Kish Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: In today's society, domestic violence is very common as one of the social problems and children are also greatly affected by this violence. Therefore, it is very important to guarantee the right of vulnerable children to sue against domestic violence.

Methods: This article is practical in terms of its purpose and the challenges in this field are examined through the descriptive-analytical method and using library tools and solutions are presented to protect the rights of children who are victims of domestic violence.

Ethical Considerations: In all stages of writing the present research, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: Among the solutions to prevent domestic violence against disabled children and provide justice for the victims that are presented in this article are the provision of special training for disabled children and employees of the judiciary, increasing public awareness, removing or amending violent laws, the need to access Disaggregated statistical data, guaranteeing accessibility and conventional assimilation in support and prevention programs, following the recommendations of the Committee on the Rights of Persons with Disabilities to member countries, the presence of non-governmental organizations and resolving disputes online, which are discussed in the text of the article.

Conclusion: In general, guaranteeing the right of vulnerable children to sue against domestic violence requires cooperation and coordination between the government, society and families. By implementing appropriate strategies, this right can be guaranteed for children who are victims of domestic violence and protect them from the negative effects of this violence.

Keywords: Double Discriminatio; Child Rights; Domestic Violence; Access to Justice; with People Disabilitie

Corresponding Author: Zahra Shokati Ahmadabad; **Email:** Rey1374shokati@gmail.com

Received: February 03, 2023; **Accepted:** May 08, 2023; **Published Online:** July 18, 2023

Please cite this article as:

Davoudi Garmarodi H, Lashkari Azar S, Shokati Ahmadabad Z. Protection of Defendant's Rights in the Access to Justice for Disabled Children against Domestic Violence; Challenges and Solutions. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e25.



تضمین «حق دادخواهی کودکان توانخواه» در برابر خشونت خانگی؛ چالش‌ها و راهکارها

هما داودی گرمارودی^۱ (id)، سجاد لشکری آذر^۲، زهرا شوکتی احمدآباد^{۳*} (id)

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. گروه حقوق کیفری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پردیس کیش، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در جامعه امروز، خشونت خانگی به عنوان یکی از مشکلات اجتماعی بسیار شایع است و کودکان نیز از این خشونت‌ها به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرند. بنابراین تضمین حق دادخواهی کودکان توانخواه در برابر خشونت خانگی بسیار حائز اهمیت است.

روش: این مقاله از نظر هدف کاربردی است و چالش‌های موجود در این زمینه از طریق روش توصیفی - تحلیل و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای بررسی شده و راهکارهایی برای حفظ حقوق کودکان قربانی خشونت خانگی ارائه شده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصول متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: از جمله راهکارهای پیشگیری از خشونت خانگی علیه کودکان توانخواه و تأمین عدالت برای قربانیان که در این مقاله ارائه شده است، عبارت است از تدارک آموزش‌های ویژه برای کودکان توانخواه و کارکنان حوزه دادگستری، افزایش آگاهی عمومی، حذف یا اصلاح قوانین خشونت‌زا، لزوم دسترسی به داده‌های آماری تفکیک‌شده، تضمین دسترس‌پذیری و همسان‌سازی متعارف در برنامه‌های حمایتی و بازدارنده، پیروی از توصیه‌های کمیته حقوق افراد دارای معلولیت به کشورهای عضو، حضور سازمان‌های مردم‌نهاد و حل و فصل اختلافات به صورت برخط که در متن مقاله بدان پرداخته شده است.

نتیجه‌گیری: به طور کلی، تضمین حق دادخواهی کودکان توانخواه در برابر خشونت خانگی نیازمند همکاری و هماهنگی بین دولت، جامعه و خانواده‌ها است. با اجرای راهکارهای مناسب، می‌توان این حق را برای کودکان قربانی خشونت خانگی تضمین کرد و از آن‌ها در برابر تأثیرات منفی این خشونت‌ها محافظت کرد.

واژگان کلیدی: تبعیض مضاعف؛ حقوق کودک؛ خشونت خانگی؛ دسترسی به عدالت؛ توانخواه

نویسنده مسئول: زهرا شوکتی احمدآباد؛ پست الکترونیک: Rey1374shokati@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۲۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Davoudi Garmarodi H, Lashkari Azar S, Shokati Ahmadabad Z. Protection of Defendant's Rights in the Access to Justice for Disabled Children against Domestic Violence; Challenges and Solutions. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e25.

مقدمه

حقوق کودکان توانخواه و پیوند حقوق این افراد با مطالعات پزشکی، اجتماعی و فرهنگی، از جمله مهم‌ترین مباحث میان‌رشته‌ای به شمار می‌رود که سال‌هاست مورد توجه قانونگذاران، محاکم، حقوقدانان و سازمان‌های مردم‌نهاد بوده است. کودکان توانخواه از سویی به واسطه کودکی و از سوی دیگر به واسطه ناتوانی در معرض آسیب بیشتری نسبت به بزرگسالان قرار دارند. از این رو تلفیق قرارگرفتن در دو وضعیت نابرابری جسمانی و روانی، کودکان توانخواه را از حیث نیازمندی‌های حمایتی، از دیگر افراد متمایز ساخته است. یکی از چالش‌هایی که کودکان توانخواه را با مشکل مواجه کرده، بحث دادخواهی و دسترس‌پذیری به عدالت کیفری پس از تحمل خشونت است. بنابراین این پرسش به میان می‌آید که «چگونه می‌توان حق دادخواهی کودکان توانخواه را در قبال خشونت خانگی تضمین کرد؟» و اگر اینچنین نیست «بهترین راهکارها برای حمایت از حق دادخواهی کودکان توانخواه در برابر خشونت خانگی چیست؟» طبق مطالعات موجود در این زمینه، عواملی مانند «ترس طردشدن از خانه» و «سپردن آن‌ها به مؤسسه»، «بدنام‌شدن و انگ‌خوردن»، «فقدان یا دسترس‌پذیر نبودن برنامه‌ها و امکانات پیشگیری از خشونت»، «ترس از دست‌دادن ابزارهای کمکی و دیگر حمایت‌ها» و «ترس از اقدام متقابل» باعث شده تا این افراد بزه‌دیدگی خود را گزارش نکنند (۱)، اما از این نکته نباید غافل شد که عوامل فوق صرفاً مربوط به کودکان عادی است که در بازه سنی مناسب (یعنی ۱۵ تا ۱۸ سال) به سر می‌برند و نمی‌توان آن‌ها را نسبت به کودکان صغیر یا کودکان توانخواه مؤثر دانست. در واقع علت عدم گزارش جرم توسط افراد اخیر، عدم توانایی در گزارش‌کردن و عدم درک درست از موقعیتشان است که افزایش رقم سیاه بزه‌کاری را به همراه داشته است. از این رو کنوانسیون حمایت از افراد دارای معلولیت (۲۰۰۶ م.) در ماده ۱۳ مقرر کرده تا دولت‌های عضو کنوانسیون، دسترسی مؤثر افراد توانخواه به عدالت را بر مبنای برابر با سایرین، از جمله از طریق انطباق مناسب با سن، به منظور

تسهیل نقش مؤثر آنان به عنوان حضور یابنده مستقیم و غیر مستقیم فراهم کنند. چالش دیگر زمانی است کودکان توانخواه به بیان بزه‌دیدگی خود می‌پردازند یا از دیگران درخواست کمک می‌کنند، اما گفته‌های آنان معمولاً غیر قابل باور قلمداد می‌شود و نتیجه آن چیزی جز منع تعقیب نخواهد بود؛ در این رابطه نیز کنوانسیون حمایت از افراد دارای معلولیت (۲۰۰۶ م.) در ماده ۱۳ مقرر کرده تا دولت‌های عضو کنوانسیون به منظور یاری در تضمین دسترسی مؤثر به عدالت، آموزش‌های مناسب را برای افرادی که در حوزه اجرای عدالت، از جمله پلیس و کارکنان زندان‌ها کار می‌نمایند، ارتقا بخشند.

با توجه به پرسش آغازین، این نوشته با هدف شناسایی مشکلات و نقاط ضعف سیستم حمایت از کودکان توانخواه و تبیین راهکارهای مناسب برای حفاظت و حمایت از این افراد سه پرسش دیگر را مطرح می‌کند: چه حقوقی برای کودکان توانخواه در قبال خشونت خانگی وجود دارد؟ چه تفاوتی بین حقوق کودکان توانخواه و کودکان عادی در قبال خشونت خانگی وجود دارد؟ چه تأثیری بر روند تحقق حق دادخواهی کودکان توانخواه در قبال خشونت خانگی، افزایش آگاهی جامعه درباره این مسأله و ارائه آموزش‌های لازم به خانواده‌ها وجود دارد؟

نخستین پرسش به مسأله عمده‌تری بازمی‌گردد: مفهوم و گستره «دسترسی به عدالت» چیست؟ همچنین سؤال دوم در این پرسش ریشه دارد که ظرفیت قوانین داخلی و نهادهای مدنی در راستای حمایت از افراد توانخواه در چه حدی است؟ و پرسش سوم به مسأله اهلیت و برابری افراد توانخواه در پیشگاه قانون مربوط است و اینکه فرد توانخواه چگونه می‌تواند از حقوق خود استفاده کند؟ یافتن پاسخ برای این پرسش‌ها کار آسانی نیست، زیرا به پرسش نخست می‌شود چنین پاسخ داد که افراد توانخواه کمتر از سایر اشخاص از حق دادخواهی برخوردارند و منع مراجعه آن‌ها به محاکم به معنای نقص در مفهوم دسترسی به عدالت نیست؟ پرسش دوم نیز با این پاسخ مواجه است که با تحقیق و بررسی، همکاری با سازمان‌های مرتبط، برگزاری آموزش‌ها، ایجاد شبکه‌های حمایتی و افزایش آگاهی عمومی می‌توان سازوکارهای مفیدی

را برای تضمین حق دادخواهی کودکان توانخواه تبیین نمود؛ سوم اینکه حقوق کودکان توانخواه در قبال خشونت خانگی شامل حقوقی است که برای تمام کودکان در قبال خشونت خانگی وجود دارد. همچنین حق دارند تا در صورت بروز خشونت، مورد پشتیبانی و حمایت قرار گیرند؛ پرسش چهارم نیز در مورد تفاوت اصلی بین حقوق کودکان توانخواه و کودکان عادی در قبال خشونت خانگی، در این است که این کودکان ممکن است به دلیل وضعیت فیزیکی یا روانی خود، به خطر بیشتری از خشونت خانگی بیفتند. به همین دلیل، حقوق خاصی برای حمایت از کودکان توانخواه در قبال خشونت خانگی تعریف شده است. به پرسش آخر نیز می‌توان این چنین پاسخ داد که با افزایش آگاهی جامعه درباره خشونت خانگی و حقوق کودکان توانخواه، همچنین ارائه آموزش‌های لازم به خانواده‌ها و کارکنان مدارس، می‌توان بهبود روند تحقق حق دادخواهی این کودکان در قبال خشونت خانگی را تسریع کرد. همچنین ارائه آموزش‌های لازم به خانواده‌ها و کارکنان مدارس، می‌تواند به شناسایی زودهنگام خشونت خانگی و پشتیبانی از کودکان توانخواه کمک کند.

از جمله جنبه‌های کاربردی این مقاله می‌توان به شناسایی علائم و نشانه‌های خشونت خانگی در کودکان توانخواه، روش‌های پشتیبانی و حمایت از آنان و تقویت فرهنگ حمایت از کودکان توانخواه اشاره کرد. این پژوهش می‌تواند به عنوان یک پایه و اساس برای تدوین قوانین و مقررات مربوط به حق دادخواهی کودکان توانخواه در قبال خشونت خانگی و همچنین برنامه‌های آموزشی برای خانواده‌های این کودکان استفاده شود. در همین راستا کوشش می‌شود تا با روش توصیفی - تحلیلی، نخست به مفهوم کودکان توانخواه، عوامل تشدید خشونت علیه آن‌ها و گستره اصل دسترسی به عدالت بپردازیم، سپس درباره شناسایی برابر کودکان توانخواه در پیشگاه قانون و تضمین حق دادخواهی و سرانجام به موانع دادخواهی بپردازیم، ضمن اینکه در تمام این نوشتار پرسش نخست این مقاله به چالش کشیده می‌شود.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

این مقاله از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است؛ گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد که مباحث نظری و نتایج به صورت توصیفی و تحلیلی ارائه شده است.

یافته‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد قوانین و مقررات موجود برای حفاظت از کودکان توانخواه در برابر خشونت خانگی کافی نیستند و نیاز به تدوین و اجرای قوانین و مقررات مناسب‌تر، آموزش‌های کافی برای کارکنان و مسئولین مرتبط با حفاظت از کودکان توانخواه و ایجاد سازوکارهای مناسب برای گزارش خشونت خانگی و پیگیری آن وجود دارد. از طرفی برابری افراد توانخواه در پیشگاه قانون به منزله حمایت از آن‌ها نیست، بلکه به عنوان یک حق، شناسایی شده است و ضروری است معیار نحوه قانونگذاری و شرایط محیطی به گونه‌ای فراهم شود که این افراد بتوانند مانند دیگران زندگی کنند.

بحث

۱. **مبانی و مفاهیم پژوهش:** در این بخش، مفاهیم لازم برای ورود به بحث تحلیل و ارزیابی رویکرد حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی در زمینه حمایت از کودکان توانخواه در برابر خشونت خانگی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. **تعریف کودک توانخواه:** از حیث مفهوم‌شناسی و بر اساس تعریف کنوانسیون بین‌المللی حمایت از معلولان (۲۰۰۶ م.) افراد توانخواه شامل کسانی می‌شوند که دارای نواقص طویل‌المدت فیزیکی، ذهنی، فکری یا حسی هستند که در تعامل با موانع گوناگون امکان دارد مشارکت کامل و مؤثر آنان در شرایط برابر با دیگران در جامعه متوقف گردد. برخی این

۱-۲. تعریف خشونت و عوامل تشدید آن: خشونت یک مفهوم طیفی دارد و حتی شامل «غفلت» و «بی‌توجهی» نیز می‌شود؛ خشونت در برخی از تحقیقات، زمینه و سابقه‌ای برای کودک‌آزاری و فرزندکشی شناخته شده است (۴). از این رو می‌توان خشونت خانگی را سابقه اعمال خشونت نسبت به کودک کشته‌شده، فرزندان دیگر یا شریک زندگی تعریف کرد که به انحاء مختلف از جمله فیزیکی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... قابل تحقق است، اگرچه برخی از خشونت‌ها میان کودکان توانخواه و کودکان دیگر مشترک است، {مانند: زورگویی، تهدید، محرومیت مستبدانه از آزادی، ازدواج اجباری، عقیم‌سازی اجباری و رفتارهای تحمیلی}، اما برخی از این آزارها، به دلیل محدودیت‌هایی که ناتوانی ایجاد کرده، منحصر به کودکان توانخواه و نسبت به سایر افراد شدیدتر است. به طور مثال، آزارهایی که توسط مراقبین و پرستاران در مراکز نگهداری کودکان دارای اختلال روانی رخ می‌دهد، نمونه بارزی از آن‌هاست. آزارهایی مانند توقیف غیر قانونی در محیط محبوس، ناباورسازی یا الکتروشوک که تحت عنوان درمان به کودکان تحمیل می‌شود و بخش قابل توجهی از کودکان توانخواه را مورد آسیب قرار می‌دهد (۵). علاوه بر این، سوءاستفاده جنسی از این افراد {به خصوص دختران}، شایع‌تر از سایر خشونت‌ها گزارش شده است و آزار جنسی نسبت به کودکان توانخواه نسبت به بزرگسالان از شدت و میزان بیشتری برخوردار بوده است؛ در پژوهشی که در این زمینه انجام شده است، کودکان توانخواه یک و نیم برابر بیشتر از زنان مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند (۶).

اصطلاح دیگر خشونت خانگی است که در محیط خانواده به وقوع می‌پیوندد و اغلب میان افرادی رخ می‌دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی به یکدیگر پیوند خورده‌اند (۷). خشونت خانگی علیه افراد توانخواه تاریک‌ترین نوع خشونت است، زیرا فرد قربانی خشونت در اکثر موارد نمی‌تواند از این خشونت رها شود و چه بسا ممکن است در تمام عمر، تحت خشونت خانگی باقی بماند. خشونت خانگی علیه کودکان توانخواه نسبت به دیگر افراد بیشتر است؛ در گزارشی که در

الگو از تعریف را گذار از تعریف مدل پزشکی به اجتماعی می‌دانند، اما به طور خاص، کودک توانخواه، فردی است که زیر ۱۸ سال سن دارد و دارای نقص پایدار کلی یا جزئی، ذهنی یا جسمی، حسی یا شناختی (به صورت مادرزادی یا غیر مادرزادی) است (۲).

برای تعریف عملیاتی وضعیت ناتوانی نیز الگوهای مختلفی وجود دارد که از مدل‌های پزشکی (نقص‌های فیزیکی) تا مدل‌های فرهنگی را شامل می‌شود و اهمیت تعریف این وضعیت به دلیل نیازهای متفاوتی است که بنا به بازه سنی و شدت آن در کودکان رخ می‌دهد. به همین خاطر لازم است بین مفاهیم مترادف در این زمینه تمایز قائل شد:

۱-۱-۱. **ناتوانی رشدی:** ناتوانی رشدی به عنوان یک اصطلاح عمومی دربرگیرنده تمام معلولیت‌ها نیست، زیرا شامل ناتوانی‌های شدید و مادام‌العمر منتسب به اختلالات ذهنی و یا جسمی هستند که قبل از ۲۲ سالگی ظاهر می‌شوند (۱۰). ناتوانی‌های رشدی منجر به محدودیت‌های اساسی در سه یا چند زمینه اصلی زندگی مانند خودکفایی اقتصادی، یادگیری و تحرک، مراقبت از خود و... می‌شوند، به نحوی که این عوامل ظرفیت کودک را برای مستقل‌شدن کاهش می‌دهد (۳).

۱-۱-۲. **معلولیت:** معلولیت «مجموعه‌ای از عوامل جسمی، ذهنی، اجتماعی یا ترکیبی از آن‌ها است که به نحوی در زندگی فرد، اثری سوء بر جای گذارد و مانع ادامه زندگی وی به صورت طبیعی است». بنابراین کودکان دارای معلولیت همیشه در دسته ناتوانی رشدی طبقه‌بندی نمی‌شوند، زیرا این ناتوانی‌ها ممکن است در سنین ابتدایی و در دوران تحصیل محدودکننده باشد و با آموزش ویژه و توان‌بخشی تا بزرگسالی ادامه پیدا نکند.

همانطور که گفته شد، غالباً دو اصطلاح «ناتوانی رشدی» و «معلولیت» در مورد این دسته از افراد کاربرد بیشتری دارد، اما اقتضای زبان علم آن است که در مورد این افراد با گذر از زبان گفتار، از عباراتی همچون «توانخواه» یا «توانیاب» استفاده کنیم که در این نوشته نیز مطمح نظر نگارندگان خواهد بود.

برای حفظ حقوق و عدالت است. هدف اصلی این قوانین، تضمین حقوق شهروندان در برابر سوءاستفاده و سوءاستفاده قدرت، از جمله خشونت خانگی است. در کشورهای پیشرفته، قواعد دسترسی به عدالت به عنوان یکی از حقوق بنیادین شناخته می‌شود و تلاش برای تضمین آن در سطح جامعه مد نظر است (۱۲).

بسیاری از سندهای بین‌المللی حقوق بشر، از جمله پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که توسط سازمان ملل متحد تصویب شده است، به دسترسی به عدالت اشاره کرده‌اند. در این پیمان، حق دسترسی به عدالت به عنوان یکی از حقوق اساسی شناخته شده است و دولت‌ها موظف هستند تا به مردم خود دسترسی به عدالت را فراهم کنند. علاوه بر این، در سطح بین‌المللی، دسترسی به عدالت با توجه به قواعد حقوقی مربوط به دادگاه‌های بین‌المللی، مانند دادگاه بین‌المللی دادگستری نیز تضمین شده است. این دادگاه‌ها برای حل و فصل اختلافات بین کشورها از سراسر جهان تشکیل شده‌اند و به کشورها اجازه می‌دهند تا با استفاده از روش‌های قانونی و قضایی، به دسترسی به عدالت دست یابند. به طور کلی، دسترسی به عدالت یکی از حقوق اساسی انسانی است که در سطح ملی و بین‌المللی تأکید شده است و دولت‌ها و سازمان‌های مربوط به حقوق بشر موظف هستند تا دسترسی به عدالت را فراهم کنند.

به طور کلی، رویه قضایی مرتبط با خشونت خانگی علیه کودکان توانخواه و دسترسی به عدالت باید با توجه به حقوق انسانی و قوانین ملی و بین‌المللی، به گونه‌ای باشد که حقوق آنان به صورت کامل محافظت شود و بتوانند به راحتی به دادگاه دسترسی داشته باشند.

۱-۳-۲. نقش و جایگاه حق دسترسی به عدالت در کنواسیون حمایت از افراد توانخواه: دسترسی به عدالت به خودی‌خود یک حق اساسی و یک پیشنیاز ضروری برای حمایت و ارتقای سایر حقوق بشر است. به عنوان یک مفهوم، دسترسی به عدالت برای کودکان توانخواه مستلزم توانمندسازی قانونی کودکان برای رسیدن به یک قانون

سال ۲۰۱۳ توسط یونیسف منتشر شد و در پژوهشی تحت عنوان «نسبت‌سنجی وضعیت کودکان دارای معلولیت با مصالح عالیه کودک در پرتو قوانین ایران و اسناد بین‌المللی» بازتاب یافت، «کودکان توانخواه ۳/۷ برابر احتمال تجربه انواع خشونت را بیشتر از هم‌نوعان خود داشته‌اند. آن‌ها ۳/۶ برابر احتمال قربانی خشونت‌های فیزیکی شده‌اند و ۲/۹ برابر احتمال قربانی خشونت جنسی شدن را دارند. در این میان کودکان عقب‌مانده و ناتوان ذهنی که در میان توانخواهان جزء آسیب‌پذیرترین گروه‌ها هستند، خطر مواجهه با خشونت جنسی را ۴/۶ برابر بیشتر از هم‌نوعان خود دارند» (۸). برخی از اشکال خشونت هم که معمولاً به طور خاص مربوط به این کودکان است، تحت عنوان درمان و اصلاح رفتار علیه آن‌ها رخ می‌دهد؛ درمان از طریق الکتروشوک و عدم توجه به دارودرمانی مناسب از جمله این خشونت‌ها است (۹). طبق مطالعات صورت‌گرفته در این زمینه، «انزوای اجتماعی»، «عدم توان اعتراض به خشونت»، «طرد خانواده»، «عدم استقلال و وابستگی این دسته از کودکان به دیگران»، مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر در افزایش بروز خشونت علیه این افراد معرفی شده است (۱۰). به طور کلی، افراد توانخواه، برای دستیابی به حقوق گوناگون خود و برخورداری از شرایط برابر زندگی با سایر افراد جامعه، همواره با موانع زیادی مواجه هستند (۱۱).

۱-۳-۳. مبانی حقوقی دسترسی به عدالت برای کودکان

توانخواه: رعایت اصل برابری مبنای اصلی تضمین حقوق افراد توانخواه در اسناد حقوق بشری در عرصه بین‌الملل است و یکی از جلوه‌های مهم آن «اصل عدم تبعیض» است که در قبال آن‌ها از طریق بهره‌گیری از «تبعیض مثبت» تجلی می‌یابد که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم:

۱-۳-۱. دسترسی به عدالت و قواعد مرتبط با نظام

بین‌المللی حقوق بشر: قواعد دسترسی به عدالت یا دادخواهی شامل مجموعه‌ای از قوانین و مقررات است که به افراد و گروه‌های مختلف، از جمله کودکان، حق دسترسی به سیستم قضایی را تضمین می‌کند. این حق شامل دسترسی به دادگاه‌ها، وکلای حقوقی، مشاوران قانونی و سایر ابزارهای لازم

کودک در کنوانسیون حقوق کودک نیز نقش محوری دارد و ضرورت حمایت از این افراد را نمایان می‌کند.

۳-۱ نقش و جایگاه دسترسی به عدالت در قلمرو

قوانین داخلی: کشور ایران در سال ۱۳۹۶ قانون جامع حمایت از معلولان را تصویب کرد که تقریباً بخشی از حقوق ارائه شده در CRPD را در آن منعکس کرده است. این نکته امیدوارکننده‌ای است که در ماده ۲۳ این قانون، حق دسترسی به عدالت برای افراد توانخواه را مورد پیش‌بینی قرار گرفته است، لذا پیچیدگی‌های دستگاه قضایی ایجاب می‌کند که برای اطمینان از دسترسی به عدالت برای کودکان، به ویژه کودکان توانخواه قربانی خشونت خانگی، ضمانت‌های ویژه یا به اصطلاح «همسان‌سازی متعارف» اتخاذ گردد. همسان‌سازی متعارف در ماده ۲ CRPD به این صورت تعریف شده است: «همسان‌سازی متعارف به معنای تطابقات و تغییرات مقتضی و ضروری است که فشار بی‌مورد و نامتناسبی را تحمیل ننماید و جایی که در مورد خاصی نیاز باشد، بهره‌مندی و اعمال کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای افراد توانخواه در شرایط برابر با سایرین را تضمین نماید.»

الزام به همسان‌سازی متعارف مستلزم آن است که افراد یا نهادها، اصلاحات یا سازوکارهای خاصی را به کار گیرند تا امکان مشارکت کامل افراد توانخواه در فعالیت‌های روزمره فراهم شود (۱۴). فصل اول قانون حمایت از معلولان نیز، دسترسی‌پذیری را اقداماتی معرفی کرده که با هدف «ایجاد محیط بدون مانع و قابل دسترسی جهت مشارکت افراد توانخواه در همه حوزه‌های زندگی و فراهم‌آوردن فرصت برابر برای آن‌ها در برخورداری از امکانات زندگی اجتماعی همانند سایر افراد، انجام می‌شود»؛ به موجب این قانون، دسترسی شامل سامانه حمل و نقل محیط فیزیکی، اطلاعات آموزش و پرورش، فناوری (تکنولوژی)، اشتغال، منابع مناسب ارتباطی و رسانه‌ای می‌باشد. ابعاد اصلی و مجزایی که مستلزم همسان‌سازی متعارف در دستگاه عدالت کیفری است: دسترسی به اطلاعات و درک حقوق قانونی و دسترسی به سیستم و امکانات دادگاه است که دربردارنده چالش‌هایی مانند

عادلانه است. دسترسی به عدالت اجرای سریع و عادلانه عدالت همراه با حمایت مناسب از کودکان توانخواه به عنوان قربانیان جرائم را از طریق دسترسی به اطلاعات مربوطه، خدمات حقوقی از قبیل مشاوره و حمایت اجتماعی و حق شرکت در محاکمات کیفری را در مواردی که مناسب باشد، تضمین می‌کند. ماده ۱۳ CPRD حق دسترسی به عدالت را برای افراد توانخواه پیش‌بینی می‌کند. این ماده مقرر می‌دارد که دولت‌ها باید دسترسی مؤثر به عدالت را برای افراد توانخواه به طور برابر با سایرین تضمین کنند که شامل ارائه تسهیلات رویه‌ای و متناسب با سن برای تضمین مشارکت مؤثر افراد توانخواه در دادرسی‌های قانونی می‌شود.

بند ۱ ماده ۷ نیز بر این نکته تأکید دارد که دولت‌های عضو تدابیر لازم جهت اطمینان از اینکه کودکان توانخواه از تمامی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بر مبنای برابر با سایر کودکان بهره‌مند هستند را اتخاذ نمایند. در بند دوم نیز با نگاهی ویژه بیان می‌دارد در تمامی اقدامات مربوط به کودکان توانخواه، عالی‌ترین منافع کودک در اولویت نخست خواهد بود. همچنین در بند سوم نیز با تأکید بر اهلیت قانونی کودکان توانخواه و با در نظر گرفتن حق بیان نظرات به صورت آزادانه، دولت‌ها را موظف می‌کند تا در جهت تحقق حقوق آن‌ها کمک‌های متناسب با سن و ناتوانی را ارائه کنند.

از حیث ساختار نیز حقوق افراد توانخواه در این کنوانسیون با پیروی از میثاقین سه‌گانه حقوق مدنی و سیاسی (حقوق آزادی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (حقوق برابری) و حقوق همبستگی (برادری) در ۲۳ ماده (مواد ۸ تا ۳۰) تشریح شده است (۱۳). طبق ماده نخست، هدف کنوانسیون «ارتقا، حمایت و تضمین بهره‌مندی برابر و کامل افراد دارای توانخواه از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و ارتقای احترام نسبت به منزلت ذاتی آن‌ها می‌باشد.» با توجه به این معیارها، تدوین این سند به منزله شناسایی حقوق جدیدی برای این افراد نیست، بلکه مطابق آن، نحوه قانونگذاری و شرایط محیطی باید به گونه‌ای فراهم شود که این افراد بتوانند مانند دیگران زندگی کنند و از حق برابر و کاملی نسبت به دیگران بهره‌مند گردند، علاوه بر این سند، تأمین مصالح عالی‌

بحث قیومت، آموزش کارکنان و مشارکت کودک در دادرسی است که در ادامه بحث بدان می‌پردازیم.

قانون اساسی ایران نیز حق دسترسی به عدالت را برای شهروندان پیش‌بینی کرده است و در اصل ۳۴ قانون اساسی تصریح می‌کند: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.»

۲. موانع دسترسی به عدالت برای کودکان توانخواه: به طور کلی موانع فردی و اجتماعی دسترسی کودکان توانخواه به عدالت ممکن است شامل موارد زیر باشد: ۱- مشکلات حرکتی؛ ۲- مشکلات شنوایی و بینایی؛ ۳- مشکلات فهم و تفسیر؛ ۴- عدم آگاهی؛ ۵- تبعیض؛ ۶- نبود تجهیزات خاص، اما کشورهای عضو کنوانسیون حمایت از افراد توانخواه مکلفانند «اهلیت قانونی» آن‌ها را به رسمیت بشناسند و سیستم و سازوکار قیومت و سرپرستی را با قوانین و تدابیری مبتنی بر «تصمیم‌گیری حمایت‌شده» جایگزین کنند. همچنین در راستای استقلال، آزادی و اراده خود فرد، تصمیم‌گیری کنند، اگرچه دسترسی به عدالت برای افراد توانخواه دارای مفهوم گسترده‌تری است و حتی اهلیت تصدی اموری چون قضاوت و وکالت را شامل می‌شود، اما آنچه در این پژوهش اهمیت دارد، همانا محدود به فراهم‌بودن شرایط طرح شکایت یا اعلام جرم از سوی قربانی است که اغلب تحت تأثیر عواملی همچون «انکار اهلیت قانونی» و «برابری نزد قانون»، «موانع اعتقادی و نگرشی» و «دسترس‌ناپذیری محیطی» نادیده گرفته شده است.

۱-۲. انکار اهلیت قانونی و برابری نزد قانون: نگرانی‌های زیادی در مورد مشارکت کودکان توانخواه در دادگاه وجود دارد و دولت‌ها موظفانند حمایت و ابزار لازم را برای مشارکت کودکان توانخواه در پرونده‌های خشونت‌بار فراهم کنند تا دسترسی مؤثر به عدالت، تضمین شود. از طرفی دولت‌ها باید تدابیر خاص و سایر تسهیلات معقول را با توجه به نیازهای شخصی این کودکان به عنوان شاهدان آسیب‌پذیر، مورد

پیش‌بینی قرار دهند. موافقان مشارکت کودک در دادرسی پنج اصل حقوق بشری شامل حق برابری، کرامت فردی، توانمندسازی، محافظت و حریم خصوصی را برای کودکان به رسمیت می‌شناسند (۱۵). ماده ۱۲ CPRD نیز به عنوان مبانی قانونی مشارکت کودکان و در جهت شناسایی برابر فرد توانخواه با سایرین، مقرر می‌دارد: «همه افراد دارای معلولیت دارای اهلیت قانونی هستند.»

با ارزیابی و تحلیل دقیق مقررره فوق می‌توان استنباط نمود که مفاد آن ارتباط مستقیم و پیوند تنگاتنگی با بحث «اهلیت قانونی» دارد، یعنی فرد صرف نظر از معلولیت، دارای اهلیت است و می‌بایست همچون دیگران از حقوقی از قبیل «حق ازدواج و تشکیل خانواده»، «حق رأی‌دادن»، «حق بر رضایت دادن بر درمان»، «حق دسترسی به عدالت» و... که لازمه اجرای سایر حقوق مدنی - سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، برخوردار باشد. با همه این‌ها ممکن است دستگاه قضا از رسیدگی به شکایات کودکان توانخواه در فرض محرومیت آن‌ها از اهلیت قانونی به واسطه قرارگرفتن تحت قیمومیت و سلب حق اقدام قانونی مستقل، سر باز زند. تحقیقات نیز در این زمینه نشان می‌دهد که حتی کودکان فاقد معلولیت (چه عنوان بزه‌دیده یا متهم)، به ندرت در رسیدگی به پرونده‌های خود شرکت می‌کنند. به عنوان نمونه نتایج پژوهشی تحت عنوان «مطالعه تطبیقی حق مشارکت کودکان در دعوی حضانت با تاکید بر کنوانسیون حقوق کودک» نشان می‌دهد ۶۵ درصد کودکان اساساً در دادگاه مشارکت داده نمی‌شوند و هیچ صدایی در محاکم ندارند. در این پژوهش فقط ۱۸ پرونده به کارشناسانی چون مددکار اجتماعی، روان‌شناس، مشاور (... ارجاع شده است و اظهار نظر مستقیم کودک در دادگاه در حضور قاضی فقط در دو پرونده، یعنی ۵/۴ درصد موارد اتفاق افتاده است» (۱۵). از این رو به نظر می‌رسد در محاکم ایران به رویکرد چندرشته‌ای و تصمیم‌گیری گروهی و استفاده از نظرات متخصصین اعتنا نمی‌شود. همچنین هیچ‌گونه حمایت، تعدیل یا کمک لازم برای تضمین مشارکت کودکان در فرایند دادرسی وجود ندارد.

شهادت‌دادن می‌خورد، است؟ یا گواهی گواهان نابینا را رد می‌کنند، چراکه معتقدند آنان قادر به درک و دریافت توالی رویدادها نیستند (۱۱).

کودکان توانخواه اغلب از دسترسی به عدالت محروم هستند، زیرا شهود قابل اعتماد و شایسته‌ای محسوب نمی‌شوند؛ کودکان دارای ناتوانی‌های ذهنی به سبب سوابق سلامت روان به عنوان شاهد تأیید نمی‌گردند؛ توانایی این کودکان در گفتن حقیقت مورد تردید قرار می‌گیرد و کودکان دارای نقص بینایی و شنوایی نیز به واسطه این واقعیت که قادر به بازگوکردن دقیق جزئیاتی که دیدنی یا شنیدنی‌اند، مورد اعتماد قرار نمی‌گیرند (۱).

۳. راهکارهای تضمین حق دادخواهی برای کودکان

توانخواه قربانی خشونت خانگی: در این بخش پس از بیان چالش‌های موجود در این زمینه، راهکارهایی برای حفظ حقوق کودکان قربانی خشونت خانگی ارائه شده است. از جمله راهکارهای پیشگیری از خشونت خانگی علیه کودکان توانخواه و تأمین عدالت برای قربانیان که در این بخش به آن می‌پردازیم، عبارت است از تدارک آموزش‌های ویژه برای کودکان توانخواه و کارکنان حوزه دادگستری، افزایش آگاهی عمومی، حذف یا اصلاح قوانین خشونت‌زا، لزوم دسترسی به داده‌های آماری تفکیک‌شده، تضمین دسترسی‌پذیری و همسان‌سازی متعارف در برنامه‌های حمایتی و بازدارنده، پیروی از توصیه‌های کمیته حقوق افراد توانخواه به کشورهای عضو، حضور سازمان‌های مردم‌نهاد و حل و فصل اختلافات به صورت برخط که در ادامه بدان پرداخته شده است

۳-۱. تدارک آموزش‌های ویژه برای کودکان توانخواه و

کارکنان حوزه دادگستری: فقدان آگاهی از قوانین مربوط به حقوق افراد توانخواه در میان ضابطان قضایی و مقامات رسیدگی‌کننده و عدم آگاهی در مورد نحوه کار با کودکان یا بزرگسالان توانخواه، از جمله ضعف‌هایی است که افراد توانخواه را با نگرانی مواجه کرده است. به عنوان مثال، مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد «افرادی که با کودکان قربانی خشونت برخورد می‌کنند (مانند قاضی، دادستان و والدین)، به

حمایت‌های موجود در این زمینه می‌تواند شامل حضور کارشناسان حرفه‌ای برای کمک به معلولیت خاص کودک و تضمین مشارکت مؤثر باشد که از طریق ابزارهای ارتباطی میسر می‌گردد.

۲-۲. دسترس‌ناپذیری محیطی و اطلاعاتی: همچنین

گواهی‌دادن و مشارکت در جلسات رسیدگی دادگاه به واسطه موانع برقراری ارتباط دسترس‌پذیر نبودن و در نظرنگرفتن سازگاری محیطی اغلب محلی از اعراب نمی‌یابد. فقدان خدمات حمایتی دسترس‌پذیر و مکان‌های مناسب‌سازی‌شده برای قربانی نیز در گزارش‌نشدن خشونت نسبت به کودکان دارای توانخواه نقش دارد، این در حالی است که حق دسترسی کسانی که در مؤسسات نگهداری می‌شوند به طرح شکایت یا به دلیل محدودیت فیزیکی آن‌ها به محیط مؤسسه یا به واسطه ترس از تنبیه سلب می‌شود (۱۱)، بدین‌سان زمانی که صحبت از دسترسی به عدالت کیفری می‌شود، باید محیط دادگاه‌ها متناسب با افراد توانخواه و به تناسب توان و استعداد آنان طراحی شود تا قابلیت مشارکت در این عرصه را به عنوان شاکه، وکیل و... داشته باشند. موانع فیزیکی می‌تواند بسیاری از افراد توانخواه را از دسترسی به عدالت در دادگاه، دفتر وکیل، ایستگاه پلیس یا سایر ساختمان‌های مربوطه بازدارد. از این رو حق دسترسی به مکان و امکانات دادگاه، پیش‌شرط و لازمه تحقق عدالت به شمار می‌رود و در صورت فقدان آن، حق دادخواهی به صورت مؤثر و کارآمد تأمین نشده است. بنابراین دولت‌ها مکلفاند ساختمان‌های قضایی، نهادهای قضایی و نهادهای اجرای عدالت را به لحاظ فیزیکی قابل‌دسترس طراحی کنند.

۳-۳. موانع اعتقادی و نگرشی: علاوه بر موارد یادشده،

بخش زیادی از عدم دسترسی کودکان توانخواه به عدالت، به پیشینه‌های نادرست اجتماعی و فرهنگی بازمی‌گردد؛ به دلیل تعصبات و تفکرات قالبی، دادگاه‌ها معمولاً شهادت‌های دختران توانخواه در پرونده‌های تجاوز جنسی را با تردید مورد ملاحظه قرار می‌دهند و پرسش‌هایی از این دست به ذهن آن‌ها می‌رسد که آیا یک دختر دارای توانخواه متوجه قسمی که به هنگام

این قوانین، فرد توانخواه می‌تواند به عدالت بیشتری دسترسی پیدا کند و از حقوق خود بهره‌مند شوند. همچنین با حذف یا اصلاح قوانین خشونت‌زا، افراد توانخواه از نقض حقوقشان در برابر خشونت و سوءاستفاده محافظت خواهند شد و به عدالت بیشتری دسترسی خواهند داشت.

قانون جامع حمایت از معلولان (۱۳۹۶ ش.) به طور صریح از خشونت علیه کودکان توانخواه بحث نکرده است، اما برخی اقدامات آن می‌تواند به صورت غیر مستقیم از طریق تلافیف فضای خانوادگی و ارتقای سطح توانمندی کودک توانخواه سبب کاهش خشونت علیه آن‌ها شود، اقداماتی مانند مکلف نمودن مرکز آمار به تعیین جمعیت افراد توانخواه به تفکیک، به منظور شناسایی این افراد و طراحی خدمات متناسب برای ایشان (ماده ۲۹) در نظرگرفتن کمک‌هزینه‌های مالی برای اعضای خانواده فرد توانخواه به منظور کاهش فشار اقتصادی حاکم بر خانواده مواد ۲۵ و ۲۷، پوشش بیمه سلامت در خدمات توان‌بخشی جسمی و روانی علاوه بر خدمات درمانی به منظور توانمندسازی فرد توانخواه و فراهم‌آوردن زمینه مشارکت وی در جامعه ماده ۶، امکان اقامه دعوی و کمک‌گرفتن از سازمان بهزیستی به عنوان نماینده فرد توانخواه در راستای تسهیل روند دادرسی ماده ۲۳ از جمله این موارد است.

۳-۴. لزوم دسترسی به داده‌های آماری تفکیک‌شده: طبق برخی منابع از جمله گزارش‌های سازمان بهداشت جهانی، حدود ۱۵ درصد از جمعیت جهان را معلولین جسمی، ذهنی، روانی و اجتماعی تشکیل می‌دهند (۱۶). دسترسی به داده‌های آماری تفکیک‌شده در این زمینه می‌تواند به فرد توانخواه برای دسترسی به عدالت کمک کند، زیرا این داده‌ها به ما اجازه می‌دهند تا نقاط ضعف در سیستم حمایتی و بازدارنده از فرد توانخواه را شناسایی کنیم و راه‌های مناسب را برای رفع این نقاط ضعف پیدا کنیم. همچنین با تحلیل داده‌های آماری تفکیک‌شده، می‌توان برنامه‌های حمایتی و بازدارنده از فرد توانخواه را به گونه‌ای طراحی کرد که بهترین نتیجه را برای این کودکان به همراه آورد، به علاوه

اطلاعات مربوط به آن‌ها از جمله قوانین و حقوق این کودکان دسترسی ندارند (۱۴). از این رو بند دوم ماده ۱۳ CRPD به منظور یاری در تضمین دسترسی مؤثر به عدالت برای افراد دارای توانخواه مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو، آموزش مناسب برای افرادی که در حوزه اجرای عدالت از جمله پلیس و کارکنان زندان‌ها کار می‌نمایند را ارتقا بخشند»، اما برخلاف این مقرر، افسران مجری قانون، شکل معلولیت و نیازهای هر قربانی را درک نمی‌کنند و مهارت‌های خاصی برای مواجهه با این کودکان و عقب‌ماندگی ذهنی، نابینایی، کم‌شنوایی، گفتاری و انواع دیگر ندارند، علاوه بر این، مجریان قانون، افراد توانخواه را شهروندانی ندانسته‌اند که در برابر قانون از حقوق مساوی برخوردار باشند، به عبارت دیگر، اصل تساوی در برابر قانون را رعایت نمی‌کنند.

۳-۲. افزایش آگاهی عمومی: افزایش آگاهی عمومی می‌تواند به سهولت در دسترسی به عدالت کمک کند، زیرا با افزایش آگاهی و فهم عمومی در مورد حقوق افراد توانخواه جامعه بهتر می‌تواند با آن‌ها همدلی کند و به آن‌ها کمک کند تا به حقوق خود دسترسی پیدا کنند. برای مثال با افزایش آگاهی عمومی در مورد نقش و اهمیت توانمندسازی این افراد، جامعه می‌تواند برای فراهم کردن شرایط مناسب برای زندگی و کار آن‌ها تلاش کند. همچنین با افزایش آگاهی عمومی در مورد قوانین و مقررات مربوط به افراد توانخواه، جامعه می‌تواند برای حفظ حقوق و پیشگیری از نقض حقوق آن‌ها تلاش کند، به علاوه با افزایش آگاهی عمومی در مورد تمایلات و نیازهای افراد توانخواه، جامعه می‌تواند بهتر درک کند که چگونه می‌تواند به آن‌ها کمک کند و به عدالت بیشتری دسترسی پیدا کند.

۳-۳. حذف یا اصلاح قوانین خشونت‌زا: حذف یا اصلاح قوانین خشونت‌زا می‌تواند به دسترسی به عدالت افراد توانخواه کمک کند، زیرا این قوانین ممکن است باعث تبعیض و نقض حقوق آن‌ها شود. برای مثال، در برخی قوانین، ممکن است افراد توانخواه از حقوق اساسی مانند دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی یا آموزشی محروم شوند. با حذف یا اصلاح

با دسترسی به داده‌های آماری تفکیک‌شده، می‌توانی میزان دسترسی به خدمات و منافع عمومی برای کودکان توانخواه را مقایسه کرد و در صورت نیاز، اقدامات لازم برای تضمین دسترسی به عدالت انجام شود.

۳-۵. تضمین دسترس‌پذیری و همسان‌سازی متعارف در برنامه‌های حمایتی و بازدارنده: تضمین دسترس‌پذیری و همسان‌سازی در برنامه‌های حمایتی و بازدارنده از افراد توانخواه به معنای فراهم‌کردن شرایط و امکانات لازم برای دسترسی کودکان توانخواه به خدمات و منافع عمومی است. به عنوان مثال، فراهم‌کردن حمل و نقل عمومی دسترس‌پذیر برای کودکان توانخواه، ساخت و سازهای بدون مانع، تجهیزات پزشکی و تکنولوژی‌های کمکی برای افزایش قابلیت اطمینان و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها را شامل می‌شود. همچنین با توجه به اینکه کودکان توانخواه ممکن است نیاز به خدمات و پشتیبانی خاصی داشته باشند، تضمین اینکه این خدمات در دسترس آن‌ها باشد و هزینه‌های آن را تحمل کنند، از جمله اقداماتی است که باید در برنامه‌های حمایتی و بازدارنده از افراد توانخواه لحاظ شود. در کشورهایی مانند بریتانیا، نه تنها رویه‌های معمول یا نظام‌مند برای شناسایی نیازهای حمایتی خاص این افراد وجود دارد، بلکه قوانینی نیز برای ارائه تضمین‌های قانونی لازم اتخاذ شده‌اند. به طور نمونه در کشورهای انگلستان و ولز یک مدل دادگاه سلامت روان به صورت آزمایشی مورد استفاده قرار گرفته است. گزارش وزارت دادگستری در مورد ارزیابی این دادگاه‌ها سازوکارهای مؤثری را در جهت بهبود این دادگاه‌ها نشان می‌دهد که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم: ۱- حضور یک یا چند روان‌شناس به صورت روزانه؛ ۲- غربالگری و ارزیابی جامع متهمان از نظر مسائل بهداشت روانی؛ ۳- انجام بررسی‌های لازم در جهت اجرای درست احکام و تصمیمات حمایتی توسط دادگاه؛ ۴- رویداد آموزشی و آگاهی‌بخشی برای والدین افراد توانخواه و شناسایی و تعامل با منابع محلی برای علامت‌گذاری و ارجاع بزه‌دیدگان به خدمات پشتیبانی مناسب (۱۷).

۳-۶. پیروی از توصیه‌های کمیته حقوق افراد توانخواه به کشورهای عضو: «کنوانسیون حمایت از افراد دارای معلولیت (۲۰۰۶ م.)» به عنوان آخرین ره‌آورد جامعه بین‌المللی در راستای حمایت از این افراد تعهدات زیادی را برمی‌شمرد که دولت‌های عضو باید بدان‌ها وفادار باشند و به گونه‌ای عمل کنند که تبعیض علیه افراد توانخواه رفع شود» (۱۱). برای نمونه دولت‌های عضو باید اجرای مؤثر این حقوق را به طور کامل فراهم کنند. آن‌ها باید تضمین کنند حقوق و رویه‌ها تبعیضی علیه افراد دارای توانخواه قائل نشده‌اند و باید از امکان تغییر چنین مقرراتی مطمئن شوند (CRPD Art 4). کنوانسیون همچنین حق فراگیر، پویا و گسترده برابری در مقابل قانون را شامل می‌شود (CRPD Art 5)، مثل «اهمیت حذف باورهای قالبی مربوط به افراد توانخواه» (CRPD Art 8)، «دسترس‌پذیری» (CRPD Art 9)، «مفهوم دسترسی به عدالت» (CRPD Art 13) و در نهایت «شناسایی در برابر قانون» که اغلب در قالب «اهلیت قانونی» قرار می‌گیرد (CRPD Art 12) و بر اساس آن دولت‌های عضو ملزم‌اند در جهت تأمین دسترسی افراد توانخواه به حمایت‌های مورد نیاز در جهت احقاق حقوقشان اقدامات لازم را به عمل آورند (۸). با این وجود، ترجیح مقررات داخلی نسبت به مقررات بین‌المللی از جمله عواملی است که اجرای صحیح اسناد حقوق بشری در سطح ملی را تحت‌الشعاع قرار داده است. پیوستن مشروط ایران به قوانین بین‌المللی نیز از دیگر عواملی است که عدم توجه کافی به این مقررات را به وجود آورده است، البته این رویکرد، محدود به کنوانسیون حمایت از افراد توانخواه نیست و پیش‌تر نیز ایران با «شرط عدم تعارض با موازین و قوانین شرعی» به کنوانسیون حقوق کودک پیوسته بود، علاوه بر این، وجود ارگان‌های مختلف تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در خصوص اجرایی‌شدن مفاد کنوانسیون و نیز در پاره‌ای از موارد عدم رعایت سلسله‌مراتب اداری و عدم هماهنگی میان مراجع ملی کنوانسیون در ایران {بنیاد شهید و سازمان بهزیستی} موجب تأخیر اجرای این قانون و عدم اجرای درست و برنامه‌ریزی‌شده در جهت پیشبرد حقوق افراد توانخواه شده

است. در راستای برون‌رفت از این چالش‌ها، می‌بایست ضمن به رسمیت‌شناختن مقررات بین‌المللی، قوانین سابق را با مفاد کنوانسیون به عنوان قانون لاحق تطبیق داد تا مورد بازنگری و یکسان‌سازی قرار گیرند. همچنین پیوستن مشروط به کنوانسیون نباید دستاویزی در جهت عدم اجرای مفاد ارزشمند آن باشد (۱۲).

۳-۷. جامعه مدنی و حمایت از کودکان توانخواه در برابر خشونت خانگی: سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در زمینه حق دادخواهی کودکان توانخواه در برابر خشونت خانگی نقش مهمی ایفا کنند. این سازمان‌ها می‌توانند با ارائه آموزش و توجیحات به والدین و خانواده‌های دارای کودکان توانخواه، به پیشگیری از خشونت خانگی کمک کنند. همچنین این سازمان‌ها می‌توانند با ارائه خدمات حمایتی و درمانی به کودکان توانخواه، به بهبود سلامت جسمی و روانی آن‌ها کمک کنند، علاوه بر این، سازمان‌های حقوق بشر و حقوقی می‌توانند با پشتیبانی از کودکان توانخواه در برابر خشونت خانگی، به حفاظت از حقوق آن‌ها کمک کنند و در صورت لزوم، به دادگاه‌ها رجوع کنند تا از حقوق کودکان توانخواه دفاع کنند. به طور کلی، سازمان‌های مردمی می‌توانند با همکاری با سازمان‌های دولتی و بین‌المللی، به پیشگیری و مبارزه با خشونت خانگی در برابر کودکان توانخواه کمک کنند (۱۸).

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد برای اعمال دادخواهی در ماده ۶۶ ق.آ.دک نیز مورد تصریح قرار گرفته است. این مقرر از جمله سیاست‌هایی است که از نوآوری‌های قانون و تحت تأثیر سیاست جنایی مشارکتی وضع گردیده است، هدف از وضع این مقرر توان‌افزایی همکارانه نهادهای مدنی در جهت ارتقای حقوق بشر و شهروندی است. از این رو در تبصره اول و دوم این ماده مقرر گشته: «در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است...» و «ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفاند بزه‌دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه، آگاه کنند.» فلسفه ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری در بادی امر یک امکان کنش

حمایتگرانه است تا نهادهای مدنی در جهت دادخواهی و طرح شکایت حتی علیه مقامات عمومی ناقض حق، این توان را برای دفاع از حقوق شهروندان داشته باشند و با ملاحظه استقلال خود، خیرخواهانه حقوق مردم را نمایندگی و مطالبه کنند. از این رو پیوند بین وکلا و جامعه مدنی برای دادخواهی و پرهیز از نگاه امنیتی به سمن‌ها می‌تواند به احیای حقوق عامه کمک کند (۱۹). اصلاح ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری جهت امکان دادخواهی مردم‌نهادها در مقام اعلام وقوع جرم و حضور فعالانه و اثربخش از ابتدا تا انتهای فرایند دادرسی نیز از دیگر اقدامات مؤثری است که می‌تواند در این زمینه صورت گیرد.

۳-۸. حل و فصل اختلافات به صورت برخط: این روش، افراد توانخواه را از نیاز به حضور حضوری در دادگاه و ایجاد مشکلات جدید برای آن‌ها در محیط دادگاه خودداری می‌کند. همچنین با استفاده از روش حل و فصل اختلاف به صورت برخط، افراد توانخواه می‌توانند به راحتی و با دسترسی آسان‌تر به دادگاه دسترسی پیدا کنند و حقوق خود را دفاع کنند، علاوه بر این، این روش، هزینه‌های مربوط به حضور حضوری در دادگاه را کاهش می‌دهد و به افراد توانخواه کمک می‌کند تا به صورت مستقیم با دادگاه در ارتباط باشند و بدون واسطه با دستگاه قضایی مرتبط شوند (۲۰).

نتیجه‌گیری

حق دسترسی به عدالت، در واقع دربرگیرنده تضمین حق دادخواهی مؤثر و کارآمد افراد توانخواه بر مبنای برابر با سایرین و آموزش مجریان عدالت، پلیس، مأموران زندان و مقامات قضایی و به طور کلی، دست‌اندرکاران قضایی است. بر اساس این تعریف، دسترسی به عدالت فارغ از بحث حق یا قاعده‌بودن، دارای دو تعریف مضیق و موسع است که در معنای مضیق آن به منزله پیگیری و تعقیب حق از طریق یک نظام رسمی و قانونی است و در تعریف موسع، دربردارنده دسترسی مؤثر و کارآمد به سیستم، اطلاعات، مکان و رویه شکلی است که باید برای افراد توانخواه به خصوص کودکان، فراهم گردد. با توجه به اهمیت حقوق کودکان و تضمین حق

مشارکت نویسندگان

هما داودی گرمارودی: نگارش و حسن اجرای انجام پژوهش.
سجاد لشکری آذر: نگارش مقاله، ارائه ایده مقاله، گردآوری منابع.

زهرا شوکتی احمدآباد: نگارش مقاله، جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، گردآوری منابع.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

دادخواهی آن‌ها، در کشورهایی که این حقوق به عنوان یکی از حقوق بنیادین شناخته شده است، تضمین حق دادخواهی کودکان توانخواه در برابر خشونت خانگی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

در ایران، قانون حمایت از کودکان با معلولیت در سال ۱۳۸۷ تصویب شد و حقوق کودکان توانخواه به عنوان یکی از حقوق اساسی شناخته شد. همچنین در قانون مجازات اسلامی، خشونت علیه کودکان توانخواه نیز به عنوان جرم شناخته شده است، اما متأسفانه در عمل، دسترسی به عدالت برای کودکان توانخواه در ایران هنوز به صورت کامل تأمین نشده است. بسیاری از این کودکان به دلیل ناتوانی‌های خود در دسترسی به دادگاه‌ها و قضات و همچنین تبعیض‌های اجتماعی با مشکلاتی مواجه هستند.

به عنوان راهکار پیشنهادی توسعه قوانین و مقررات مناسب، تقویت سازمان‌های مرتبط با حفاظت از کودکان، آموزش و پرورش در مورد حقوق کودکان و خشونت خانگی و همچنین ترویج فرهنگ احترام به حقوق کودکان و جامعه‌سازی در این زمینه می‌تواند به تضمین حق دادخواهی کودکان توانخواه در برابر خشونت خانگی کمک کند. با هماهنگی بین دولت، جامعه و سازمان‌های مرتبط، می‌توان به تضمین حق دادخواهی کودکان توانخواه در برابر خشونت خانگی پرداخت و از زندگی آن‌ها به عنوان یک عضو ارزشمند جامعه محافظت کرد.

پرواضح است که رسیدن به نتیجه مطلوب در مقابله با خشونت خانگی علیه کودکان توانخواه و محقق‌ساختن راهکارهای پیشنهادی در این زمینه بیش از هر چیز مستلزم همکاری دولت‌ها در راستای عملی‌سازی پیشنهادها و راهکارهای ارائه شده از سوی نهادهای حقوق بشری است، اما در عین حال نباید از قابلیت موجود در حقوق بین‌الملل برای حضور افراد هم‌غافل شد. آیین شکایات فردی، گزارش گزارشگران ویژه و اسناد کنفرانس‌ها از جمله مواردی هستند که اهمیت روز افزونی در امور کودکان توانخواه یافته‌اند.

References

- Shabani S. Protection of women against domestic violence and access to justice in the international legal system with a comparative study in the Iranian legal system. 1th ed. Tehran: Institute of Legal Studies and Research in Shahrdanesh; 2021. p.1-240. [Persian]
- Ghanizadeh Bafghi M. The Best Interests of Children with Disabilities in the Light of Iranian Laws and International Instruments. Quarterly Journal of Natural Law Studies. 2018; 10(2): 597-616. [Persian]
- Sullivan PM. Children with disabilities exposed to violence: Legal and ppublic policy issues. Edited by Feerico MM, Silverman GB. Children Exposed to Violence. 2006; 213-237.
- Lashkari Azar S. Filicide in Australia. Shahid Beheshti University Criminal Justice Faculty of Law Newsletter. 2021; 2(8): 14-21. [Persian]
- Sen P, Grima AR. Sexual harassment against women with disabilities in the world of work and on campus. United Nations Entiry for Gender Equality and the Empowerment of Women New York. U.S.A. 2020; 2(21): 81-106.
- Wisdink IB, Vugt EV, Moonen X, Stams GJJM, Hendriks J. Sexual abuse involving children with an intellectual disability (ID): A narrative review. Res Dev Disabil. 2015; 4(36): 20-35.
- Kar M. A research on violence against women in Iran. 1th ed. Tehran: Illuminators and Women's Studies; 2008. [Persian]
- Jones L, Bellis MA, Wood S, Hughes K, McCoy E, Eckley L, et al. Prevalence and risk of violence against children with disabilities: A systematic review and meta-analysis of observational studies. Lancet. 2012; 380(9845): 899-907.
- Amborski AM, Bussieres EL, Vaillancourt-Morel MP. Sexual Violence Against persons with Disabilities: A Meta-Analysis. Trauma Violence Abuse. 2022; 23(4): 1330-1343.
- Parvin KH, Shabani S. Domestic violence against women with disabilities and access to justice in the international human rights system. Quarterly Journal of Public Law Studies. 2021; 51(3): 1049-1068. [Persian]
- Ramezani Qavam Abadi MH. Protection of the disabled in international law. Social Welfare Quarterly. 2012; 11(41): 307-341. [Persian]
- Malunga B, Kanyongolo NR, Mbanu-Mweso N. Access to justice of children with disabilities in defilement cases in Malawi. African Disability Rights Yearbook. 2017; 5(25): 25-39.
- Azari H, Oladi Qadikolabi A. A comparative study of "children's right to participate" in custody litigation with an emphasis on the Convention on the Rights of the Child. Two Human Rights Quarterly. 2021; 16(1): 177-194. [Persian]
- Rostamiyan A, Rahmani Firouzjah A, Abbasi AA. Sociological Study of Sexual Harassment of Disabled Women in Mazandaran Province. Strategic Studies of Iran's Social Issues 2021; 10(35): 69-90. [Persian]
- Beqiraj J, McNamara L, Wicks V. Access to justice for persons with disabilities: From international principles to practice, the global voice of the legal profession. International Bar Association. 2017; 5(13): 1-47.
- Arifin R, Baiquni I, Taduri JNA, Rasdi R, Zakkri Z. The International Law Principle for People with Disabilities: Analyzing Access to Justice. UNNES Law Journal Jurnal Hukum Universitas Negeri Semarang. 2021; 7(2): 371-404.
- Pourziyaei K, Ghaffari Nik T. The legal and social effects of Iran's accession to the Convention on the Rights of Persons with Disabilities from the perspective of domestic law. Fars Law Journal. 2019; 3(6): 119-149. [Persian]
- Fathi K, Bahari S, Aqdadi AN, Livarjani SH. Investigating the mental health and hope of blind people compared to visually impaired. Quarterly Journal of Women and Family Studies. 2021; 13(50): 115-132. [Persian]
- McCook A. Amendment of Article 66 of the Criminal Procedure Law for the application of semans' lawsuits. 2022. Available at: <https://www.b2n.ir/p49672>.
- Fallah MH. Explaining the life trade of blind and partially sighted couples in marriage and parenting: a phenomenological approach. Quarterly Journal of Psychology of Exceptional People. 2018; 8(32): 203-227. [Persian]